



ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان
ریاست محکمه استیناف ولایت کابل
ریاست محکمه ابتدائیه رسیده کی به جرایم فساد
اداری
فارمت احکام قطعی محاکم ابتدائیه در قضایای جزایی
نمبر وارده: ()

شهرت طرفین قضیه و نوع واقعه			
موضوع دعوی	تزویر	متهم	ع ر ولد ب س ع ق ولد غ ف و ن م ولد م ع
محل دعوی	خارنوالی ملکی	وکیل مدافع	ع ق
		خارنوال	ب ژ
		وکیل مدافع	

شهرت قضات			
اسم	وز	م ا	ذا
تخلص	ا هـ	ح ق	س ع
وظیفه	عضو قضائی	عضو قضائی	رئیس

تاریخ وارده: // 13

<p>برویت اوراق واصله جریان قضیه حاکی از آن است که اسامیان هر یک (ع ق) و (ع ر) منسوبین ریاست (012) ریاست عمومی امنیت ملی بتاریخ 1398/9/7 مشترکاً یک قطعه مکتوب را خلاف پروسیجر اداری و تزویراً عنوانی ریاست محترم محافظت ریاست جمهوری نگاشته و توسط تورن ن م با مهر "اشد محرم" مزین ساخته و از طریق پوسته نظامی محول ریاست محترم محافظت ریاست جمهوری اسلامی افغانستان نموده اند، غرض کسب اطمینان از مواصلت مکتوب و اجراء انجام شده در قبال آن (ع ق) و (ع ر) مشترکاً به شماره تماس قومندان محافظین ریاست جمهوری تماس بر قرار نموده و در مورد مکتوب تزویری فوق الذکر مطالبه معلومات نموده اند. متعجباً ریاست محافظت مقام ریاست جمهوری اسلامی افغانستان ذریعه مکتوب نمبر (2800) مورخ 1398/9/24 خویش در مورد چگونگی مسبوقیت اداره محترم امنیت ملی از مکتوب فوق الذکر (مکتوب تزویری) و تثبیت هویت شخص تماس گیرنده مطالبه معلومات مینماید. غرض پیگیری موضوع به اساس هدایت ریاست عمومی امنیت ملی پنج تن از منسوبین ریاست (012) امنیت ملی غرض تحقیق به مدیریت (501) ریاست محترم (755) امنیت ملی معرفی میگردد. در جریان تحقیق اسامی (ع ق) ولد (غ ف) بیان داشته که مکتوب را به همکاری و هدایت (ع ر) در کامپیوتر (ع ر) نام تایپ نمودم و (ع ر) پاکت (مخصوص مراسلات) مهر شده (مهر اشد محرم) را آورد و مکتوب را داخل آن انداختم و به هدایت (ع ر) یک نمبر صادره (غیر واقعی) زدم و آنرا به پوسته تسلیم کردم، بعداً من همراه با (ر ش) یکجا به شماره رئیس محافظت رئیس جمهور تماس گرفتم و به وی گفتم که من معاون شهری ریاست امنیت کابل هستم و مکتوب را به من به شما ارسال کردم، و ذریعه شماره ای تماس گرفتم که از موتر (ن م) گرفته بودیم. همچنان موصوف بیان داشته که مکتوب تزویری که توسط وی به همکاری (ع ر) ترتیب گردیده توسط (ع ر) نام امضاء گردیده است، همچنان موصوف جواب استعلامی در مورد (ع ر) نام نگاشته است که یک ماه قبل (ع ر) به من گفت که در ریاست محافظت اقوام یا خویشاوندان ما میباشد به آنها گفته بودم که برایم موافقه بگیرند اما نگرفتند و من همراه آنها کاردارم. در زمینه اوراق (59، 58، 54، 55، 61 و 69) دوسیه قابل ملاحظه است. همچنان در جریان تحقیق پیرامون قضیه یکتن از مظنونین دیگر قضیه اسامی (ع ر) ولد (ب ا) چنین اظهار داشته است "یک روز صبح بود که (ع ق) آمد و برایم گفت که یک شخص قابل اعتماد برایمگفت که چند نفر از کارمندان ریاست محافظت رئیس جمهور افراد را ترور میکنند، بعداً در کامپیوتر من شروع به نوشتن مکتوب کردم، من هم در جریان نوشتن مکتوب برای اینکه یک مکتوب چطور نوشته میشود برای او در بعضی جاها همکاری کردم و از کار خود پشیمان هستم" همچنان موصوف از جریان امضاء کردن و صدور مکتوب و مهر نمودن پاکت آن انکار ورزیده است. در زمینه اوراق (68، 69) دوسیه قابل تامل است. اسامی (ن م) ولد (م ع) نیز در جریان تحقیق بیان داشته که "یک روز (ع ر) کارمند اسناد و ارتباط که با من شناخت دارد و دوستم است گفت که من کار عاجل دارم اگر لطف کنی یک مهر به پاکت سفید بزنی و مهر نوکریوالی را زدم و برایش دادم. و محتوای داخل آنرا ندیدم و در پشت پاکت چیزی نوشته نبود. در زمینه اوراق (36-38) دوسیه قابل ملاحظه است. قابل تذکر است که هر سه تن از مظنونین قضیه در جریان استنطاق نزد ارگان کشف و تحقیق این خارنوالی به جرم خویش معترف بوده اما بعداز اینکه به نظارتخانه قوماندانی امنیه کابل انتقال گردیدند و زمینه ملاقات و یکجا شدن شان میسر گردید از تمام اظهارات قبلی خویش انکار ورزیده و در مورد علت انکار شان، (ع ق) نام چنین نگاشته است "با خود توافق کردیم که این کار مابیان هیچ انجام ندادیم و از موضوع هر سه میان انکار میورزیم" در مورد شماره تماس و مبايل که توسط آن (ع ق) نام به هدایت (ع ر) با رئیس محافظت ریاست جمهوری تماس گرفته ثبت تماس شماره های آن ها مطالبه گردیده که با ملاحظه آن بتاریخ 1398/9/18 ساعت (4:58) دقیقه عصر توسط (ع ق) ولد (م ع) به رئیس محافظت ریاست جمهوری تماس بر قرار گردیده است. در زمینه ورق (101) دوسیه قابل ملاحظه است. در مورد مبايل که ذریعه آن به رئیس محافظت ریاست جمهوری تماس گرفته شده و متعلق به (ب ش) ولد (ش و) میباشد از نامبرده استعلام صورت گرفته که نامبرده در جواب بیان داشته است که مبايل خویش را بتاریخ 1398/9/16 در موتر (ن م) فوق الذکر فراموش نموده و این جریان را (ع ق) ، (ن م) و پدر وی که او هم در موتر موجود بوده، نیز تصدیق نموده است که در زمینه اوراق (44، 43، 41، 59) دوسیه قابل ملاحظه است.</p>	<p>خلاصه جریان واقعه</p>
<p>دلایل الزام علیه (ع ر) ، (ع ق) و (ن م) مبنی بر سوء استفاده از موقف و وظیفوی و ترتیب مکتوب تزویری از آدرس ریاست امنیت ملی ولایت کابل :</p> <p>1- تحریر نمودن یک قطعه مکتوب بدون در نظر داشت اصول اداری بصورت تزویری از آدرس ریاست امنیت ملی کابل عنوانی ریاست محافظت مقام ریاست</p>	<p>استدلال و مطالبه خارنوال</p>

<p>جمهوری اسلامی افغانستان توسط اسامیان (ع ق) و (ع ر) در زمینه اوراق اعترافات (ع ر) و (ع ق) و اوراق (91 و 92) دوسیه قابل ملاحظه است.</p> <p>2- امضاء نمودن مکتوب تزویری فوق الذکر توسط (ع ر) نام و مزین ساختن آن با مهر مخصوص "اشد محرم" توسط (ن ا) نام و انتقال آن توسط (ع ق) نام به پوسته مربوطه انتقال مکاتیب در زمینه اوراق (37، 54، 58، 59 و 61) دوسیه قابل ملاحظه است.</p> <p>3- تماس گرفتن (ع ق) و (ع ر) با رئیس عمومی محافظت ریاست جمهوری از آدرس معاون شهری ریاست امنیت کابل و مطالبه معلومات در مورد اجراءات پیرامون مکتوب تزویر فوق الذکر که در زمینه اوراق اعترافات نامبردگان، گزارش تماس فوق الذکر و مکتوب نمبر (2800) مؤرخ 1398/9/24 ریاست عمومی محافظت ریاست جمهوری مندرج ورق (97) دوسیه قابل ملاحظه است.</p> <p>4- اظهارات و اعتراف (ع ق) مبنی بر نوشتن مکتوب توسط وی به همکاری (ع ر) در کامپیوتر موصوف، امضاء نمودن آن توسط (ع ر) مذکور و مهر نمودن آن توسط (ن م) .</p> <p>5- اعتراف (ع ر) مبنی بر همکاری تصحیح مکتوب فوق الذکر در جریان نوشتن توسط (ع ق) نام.</p> <p>6- اعتراف ن م مبنی بر مزین ساختن پاکت مکتوب فوق الذکر با مهر مخصوص " اشد محرم" که غرض اصدار به مرجع مورد نظر از جانب (ع ر) برای وی ارایه گردیده بود.</p> <p>مطالبه مجازات: برویت اوراق دوسیه و اعترافات متهمین قضیه چنین استنباط میگردد که متهمین (ع ر) و (ع ق) یک قطعه مکتوب تزویری را در تیبانی با همدیگر از آدرس ریاست امنیت ملی کابل عنوانی ریاست محترم عمومی محافظت ریاست جمهوری که گویا پنج تن از منسوبین آن ریاست محترم با گروه های تروریستی همکاری دارند، تحریر نموده و توسط متهم (ع ر) امضاء گردیده بعد از درج نمبر صادره خلاف واقعیت، بمنظور ارسال مکتوب فوق الذکر به اداره مورد نظر نزد متهم (ن م) مراجعه نموده، موصوف پاکت مکتوب (پاکت مخصوص مراسلات) را بدون در نظر داشت اصول اداری با مهر " اشد محرم" مزین ساخته سپس مکتوب متذکره توسط ع ق به پسته خانه نظامی منتقل گردیده و از آن طریق محول ریاست عمومی محافظت ریاست جمهوری گردیده است. در ادامه متهمین (ع ر) و (ع ق) غرض آگاهی از مواصلت و اجراءات آن ریاست در قبال مکتوب فوق الذکر در حالی که خود را معاون شهری ریاست امنیت ملی کابل معرفی نموده و با رئیس عمومی ریاست محافظت ریاست جمهوری تماس تلفنی بر قرار نموده اند، بناءً با توجه به جریان فوق و با در نظر داشت دلایل الزام، مسؤلیت نامبردگان در قضیه تزویر اسناد ثابت بوده متهمین هریک (ع ر) و (ع ق) منحصراً فاعلین اصلی قضیه مطابق به حکم ماده (438) کود جزاء و متهم ن م منحصراً شریک جرم حسب هدایت ماده (438) بار عایت ماده (58) قانون مذکور مستوجب مجازات میباشند. بناءً از هیئت محترم قضائی احترامانه تقاضا به عمل می آوریم تا متهم مذکور را مطابق مواد فوق الذکر محکوم به مجازات نموده تا پند برای خودش و عبرت به سایرین گردد.</p>	
<p>فشرده دفاعیه (ع ق): وکیل مدافع مذکور اسامی، (م ف) بعد از معرفی شهرت خویش و رویداد قضیه به رد دلایل الزام خرنوال چنین پرداخت.</p> <p>اکنون من وکیل مدافع جوابات خود را ذیل وکالتاً چنین عرض مینمایم. (اول): به شما هیأت قضائی بهتر معلوم است که وفق ماده (5) کود جزاء و ماده (25) قانون اساسی برائت الذمه حالت اصلی بوده مطابق ماده (7) کود جزاء و ماده (27) قانون اساسی هیچ کس را نمیتوان مجازات نمود مگر مطابق احکام قانون. بناءً : ازین احکام قانونی بر می آید ما دامیکه دلایل قانونی الزام متهم که در ماده (19) قانون اجراءات جزائی ضمن تحقیق عادلانه و قانونی ماده (30) قانون اساسی بدست نیامده باشد. برائت الذمه شخص به حالت خود باقی که مجازات او قانوناً مجاز میباشد و اگر دلایل الزام علیه شخص موجود هم باشد اما در جمع آوری آن احکام قانون رعایت نشده باشد. یا دلایل ارائه شده تخیلی، توهمی، و آفاقی بوده باشد. و در لست دلایل قانونی الزام متذکره ماده (19) قانون اجراءات جزائی موجود نباشد. و یا احتمالات متعدد در آن راه داشته باشد. باز هم چنین دلایل به اساس حکم ماده (73) مجلة الأحكام العدلیه سبب حکم قرار گرفته نمیتواند. که بدیل آن برائت الذمه شخص است. زیرا ماده (129) قانون اساسی و ماده (9) قانون تشکیل و صلاحیت محاکم به موجودیت اسباب واقعی و قانونی حکم، تاکید میورزد. لذا نظر به دلایل فوق الزام است. اولاً: مطابق ماده (19 و 20) قانون اجراءات جزائی دلایل الزام موجود باشد. ثانیاً: در جمع آوری آن حسب ماده (85- 146-161-163-164-165-166-167) شفافیت، قانونیت، و عدالت رعایت شده باشد. ثالثاً: در اتهام وارده حکم قانونی مبنی بر مجازات فاعل آن وجود داشته باشد.</p> <p>قسمیکه از جریان موضوع ثابت میشود. که در مورد اتهام وارده بالای مؤکلم هیچ نوع دلیل قانونی وجود ندارد. برائت الذمه مؤکلم مطابق ماده (25) قانون اساسی به حال خود باقی است. توجه هیأت محترم قضائی را در زمینه خواهانم.</p> <p>دوم: خرنوال مؤظف قضیه در ورق سوم صفحه سوم صورت دعوی مرتبه خویش چنین موضوعات را به عنوان دلایل الزام تلقی نموده است.</p> <p>(1) تحریر نمودن یک قطعه مکتوب بدون در نظر داشت اصول اداری بصورت تزویری از آدرس امنیت ملی کابل عنوانی ریاست محافظت مقام ریاست جمهوری اسلامی افغانستان توسط اسامیان (ع ق) و (ع ر) در زمینه اوراق اعترافات (ع ر) و (ع ق) و اوراق (91 و 92) دوسیه قابل ملاحظه است. در جواب بعضی میرسانم اینکه مؤکلم در مورد کدام اعتراف قانونی ندارد. بلکی اعتراف را فقره (35) ماده (4) قانون اجراءات جزائی چنین بیان نموده اقرار و اعتراف به ارتکاب جرم است. بدون اکراره با رضایت کامل و در حالت صحت عقل در حضور محکمه با صلاحیت. همچنان ماده (30) قانون اساسی نیز در مورد صراحت دارد. اشخاصیکه در ورق دوسیه گویا که مکتوب تزویری باشد بنام (ح ظ)، (م ش)، (م ا) و غیره تذکر یافته مؤکلم با ایشان هیچ نوع شناخت و قرابت نداشته و نه اشخاص مذکور مؤکلم را می شناسد، بلکه حقیقت ندارد.</p>	<p>دفاعیه</p>

(2) امضاء نمودن مکتوب تزویری فوق الذکر توسط (ع ر) نام و مزین ساختن آن به مهر مخصوص "اشد محرم" توسط (ن م) نام و انتقال آن توسط (ع ق) نام به پسته مربوطه انتقال مکاتیب در زمینه اوراق (37-54-59-61) دوسیه قابل ملاحظه است. در جواب عرضدارم اینکه مؤکلم میگوید من کدام مکتوب را به پسته خانه انتقال ندادم. چرا که اصول ارسال مکاتیب ایناست که پاکت پیام باید نمبر داشته باشد پاکت بدون نمبر را هیچ یک از کارمندان پسته خانه تسلیم نمی شود و حق تسلیمی پیام مجهول را هم ندارد که پاکت بدون نمبر و بدون رسیدات تسلیم گردد. محل مرسل و مرسل الیه آن هم درست نبوده شخصی که پاکت پیام را به پسته خانه تسلیم میکند نام آن هم در پسته خانه ثبت میگردد. که در زمینه **خارنوال مؤظف تحقیق ننموده**.

(3) تماس گرفتن (ع ق) و (ع ر) با رئیس عمومی محافظت ریاست جمهوری از آدرس معاون شهری ریاست امنیت ملی کابل و مطالبه معلومات در مورد اجراءات پیرامون مکتوب تزویری فوق الذکر که در زمینه اوراق اعترافات نامبردگان، گذارش تماس فوق الذکر و مکتوب نمبر (2800) مورخ 1398/9/24 هـ ش ریاست عمومی محافظت ریاست جمهوری مندرج ورق (97) دوسیه قابل ملاحظه است. در جواب عرض دارم اینکه اگر تماس بر قرار گردیده باشد چرا نوار صوتی تماس تلفونی وجود ندارد. که باید میبود و ذریعۀ آن قضیه بیشتر روشن میگردد. اما موجود نمی باشد که در مورد خارنوال بدون مدارک اثباتیه اقامه دعوی نموده است.

(4) اظهارات و اعترافات (ع ق) مبنی بر نوشتن مکتوب توسط وی به همکاری (ع ر) در کمپیوتر موصوف، امضاء نمودن آن توسط (ع ر) منکور و مهر نمودن آن توسط (ن م) در جواب عرض دارم اینکه اظهارات و اعترافات مؤکلم خلاف ماده (30) قانون اساسی بوده که چنین مشعر است (اظهارات اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگر به وسیله اکراه به دست آورده شود اعتبار ندارد. بند دوم اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل در حضور محکمه با صلاحیت) هکذا فقره (35) ماده (4) قانون اجراءات جزائی در مورد چنین مشعر است. (اقرار: اعتراف به ارتکاب جرم است، بدون اکراه با رضایت کامل و در حالت صحت عقل در حضور محکمه با صلاحیت)

(5) اعترافات (ع ر) مبنی بر همکاری و تصحیح مکتوب فوق الذکر در جریان نوشتن توسط (ع ق) در جواب عرضدارم اینکه اظهارات شخصی دیگر که خود آن هم سلب آزادی بوده باشد بالای مؤکلم از نگاه قوانین نافذ کشور دلیل الزام شده نمیتواند. که بدیل آن برائت مؤکلم میباشد. بناءً با ذکر جریانات و گزارشات واقعی فوق الذکر از حضور هیئت محترم قضائی محکمه هذا با کمال احترام و ادب میخواهم و طلب دارم تا حکم عادلانه خویش را مطابق ماده (5) کود جزاء ماده (25) قانون اساسی و ماده (8) مجلة الاحکام العدلیه به برائت مؤکلم اسامی (ع ق) ولد (غ م) صادر فرمایند تا عدالت به وجه احسن تطبیق گردد. بااحترام

فشرده دفاعیه (ع ر): وکیل مدافع مذکور محترم (ا ک) بعد از معرفی شهرت خویش و رویداد قضیه به رد دلایل خارنوال چنین پرداخت:

اعتراض به نقض حقوق مؤکلم طبق احکام قانون

حقوق قانونی که به مؤکلم طبق احکام مواد (30/29) قانون اساسی مواد (9، 8، 7) قانون اجراءات جزائی اعطاء گردیده، از طرف پولیس در مرحله کشف و از جانب خارنوالی در مرحله تحقیق و فقره (3) ماده (145) قانون اجراءات جزائی رعایت نگردیده بناءً طبق هدایت فقره (3) ماده (289) قانون اجراءات جزائی موجب بطلان است. رد دلایل خارنوال صاحب مؤظف.

1- خارنوال در دلیل اول خود در مورد مکتوب تزویری، به اعتراف مؤکلم و اوراق (91 و 92) استدلال نموده.

در مورد باید گفت بادر نظر داشت اوراق یاد شده هیچ دلیل دیده نمیشود که مؤکلم چنین مکتوب تحریر و یا امضاء نموده باشد اوراق که خارنوال صاحب با آن استدلال نموده قابل ملاحظه است همچنان قابل یاد آوری است که اعترافات مطابق ماده (19) قانون اجراءات جزائی دلیل الزام دانسته نشده است و همچنان مطابق ماده (30) قانون اساسی اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل در حضور محکمه با صلاحیت. از این معلوم میشود که خارنوال صاحب فقره (3) ماده (145) قانون اجراءات جزائی را در نظر نگرفته است و دلایل الزام و تبریه کننده را علی السویه جمع آوری و ارزیابی نکرده است.

2- خارنوال صاحب در دلیل دوم خود به امضاء مؤکلم ع ر اشاره داشته.

در مورد باید گفت با در نظر داشت اوراق دوسیه اینکه خارنوال صاحب در مورد صحت امضاء یا عدم صحت آن هیچ نوع معاینات تخصصی انجام نداده است حتی امضاء مؤکلم با امضاء موجود در مکتوب مقایسه نکرده است چطور میتوان استدلال کرد که امضاء مؤکلم است در حالیکه مؤکلم بارها چنین موضوع را رد نموده بناءً هیچ دلیل وجود ندارد که ثابت نماید که مکتوب یاد شده به امضاء مؤکلم باشد.

و همچنان اینکه خارنوال صاحب مؤظف در تمامی دلایل خود در مورد مؤکلم (ع ر) به اظهارات متهمین شامل دوسیه استدلال نموده است، در حالیکه بند (2) فقره (4) تعدیل ماده (26) قانون اجراءات جزائی هدایت دارد (شخصی که به حیث شریک جرم شناخته شده و شهادت وی متضمن دفع اتهام از خود باشد قابل سمع نمیباشد). بناءً اظهارات اشخاص شامل دوسیه دلیل الزام علیه مؤکلم شده نمیتواند.

3- خارنوال صاحب در دلیل سوم خود به تماس تلفیونی با رئیس عمومی محافظت عامه ریاست جمهوری استدلال نموده. در مورد قابل یاد آوری است که با در نظر داشت سطر سه ورق سه صورت دعوی خارنوال صاحب و اوراق (101 و 97) دوسیه که جانب خارنوال صاحب هم با آن استدلال نموده است. هیچ دلیل وجود ندارد که ثابت نماید مؤکلم با کسی تماس تلفیونی برقرار نموده باشد اوراق یاد شده قابل ملاحظه است.

4- خارنوال در دلیل چهارم و پنجم خود به همکاری (ع ر) در ترتیب مکتوب یاد آور شده در مورد باید گفت بادر نظر داشت اوراق (157) دوسیه مؤکلم چنین ادعای را رد نموده است و همچنان قابل تذکر است که اظهارات متهمین دیگر شامل دوسیه طبق هدایت ماده (26) قانون اجراءات جزائی قابل سمع نبوده.

5- خرنوال صاحب در دليل ششم خود را اظهارات (ن م) استدلال نموده مبنی بر مزین ساختن پاکت متکوب فوق الذکر با مهر مخصوص که غرض اصداً به مرجع مورد نظر از جانب (ع ر) برای وی ارایه گردیده بود. در مورد باید گفت یک : تاریخ که مکتوب صادر شده است (ن م) نام نوکریوال نبوده که چنین موضوع را خود (ن م) نام هم تأیید نموده است و گفته است که تاریخ یادم نیست و همچنان در جریان تحقیق به کتاب نوکریوالی مراجعه نشده و دیده نشده که در آن تاریخ نوکریوال کی بوده و مکتوب را کی مهر و صادر کرده است. دو مکتوب که (ن م) از آن یاد آور شده آن مکتوب است که از طرف موکلم (ع ر) در مورد دعوی معاون ریاست امنیت ملی ولایت کندهار صادر شده بود که صادره آن درج کتاب میباشد. سوم وقتیکه (ن م) نام از تاریخ مهر، تاریخ صدور از موضوع درج مکتوب آگاه نباشد نمیتواند با چنین اظهارات ضد نقیض در مورد مسؤلیت جزائی یک شخص استدلال کرد. خلاصه طبق هدایت فقرة (2) ماده (5) قانون اجرائت جزائی خرنوال صاحب نمی تواند دلایل مبهم در قضیه را به حیث دلیل اثبات توجیه کرد بناءً در مورد موکلم ادعای خرنوال صاحب مبنی بر تزویر، بدون هیچ نوع دلیل اثباتیه بوده که چنین دعوی مجرد طبق هدایت ماده (265) مجلة الاحکام قابل سمع نبوده و نمیشد بناءً با رد دلایل خرنوال صاحب مؤظف و اینکه موکلم در مورد اتهام وارده خرنوال صاحب کاملاً بی گناه بوده از جانب رئیس صاحب و هیئت محترم قضائی شان میخواهم و طلب دارم تا در مورد موکلم بادر نظر داشت ماده (25) قانون اساسی و ماده (5) کود جزاء به برأت شان حکم صادر فرمائید.

فشرده دفاعیه متهم (ن م): محترم (م س) وکیل مدافع متهم بعداز شهرت مکمل خویش و رویداد قضیه به رد دلایل خرنوال چنین پرداخت:

اوس راخم د خرنوال صاحب دالزام دلایلو دفع ته...

فضیلتماًب رئیس صاحب او ورسره قضائی پلاوی خرنوال صاحب زما دموکلم په اړه کوم داسی دلیل د الزام ندی راوری تنها دایی ویلی دی چی د مکتوب پاکت یی مهر کری دی او (ن م) اعتراف کری دی او (ن م) مدعی ددی دلیل په جواب کی باید و وایم کوم اظهارات چی په اول کی زما دموکلم ورکری دی هغه اظهارات یی تول په زور ورخه اخیستل شوی دی چی اعتراف داساسی قانون د (۳۰) مادی په اساس د با صلاحیته محکمی په وړاندی اعتبار لری . چی نموری ماده په لاندی دول صراحت لری (له متهم یابل شخص خخه په زور تر لاسه شوی خرگندونی اقرار یا شهادت اعتبار نه لری همدارنگه د جزایی اجرائتو د قانون (35) فقرة خلورمه ماده اقرار د واکمنی محکمی په وړاندی له اکراه پرته په بشپړ رضایت او د عقل د صحت په حالت کی د جرم په ارتکاب اعتراف بولی. او په اوله فقرة (۲۲) ماده د قضایی ضبط مامور خرنوالی او محکمه په هیخ حالت کی اجازه نلری په خپله یابدل شخص له لاری په ناوره چلند د مخدر و مواد و په استعمال شکنجی (خورونی) او اکراه یا په مقتاطیسی خوب تهدید او ویرولو یا د خه گئی (منفعت) په وعدی سره مظنون یا تورن اظهار یا اقرار ته مجبور کری دافغانستان د اساسی قانون (۲۹) ماده داسی صراحت لری چی (دانسان تعذیب منع دی هیخ خوک نشی کولای چی دبل شخص خخه حتی د حقایقو دلاسته راوړلو دبیخاطر که خه هغه تر تعقیب نیونی او توقیف لاندی وی او یا په جزا باندی محکوم وی دهغه د تعذیب لپاره اقدام وکری او یا یی امر ورکری) ولوچی زما د موکلم یی سره یی صورت نیولی دی همدانگه جناب خرنوال صاحب زما دموکلم په اړه کوم داسی شواهد او مدارک نلری چی دا په ډاگه کری چی زما موکلم ن م دی پاکت مهر کری وی چی د جزایی اجرائتو قانون (24) ماده داسی صراحت لری د قضایی ضبط مامور او خرنوال مکلف دی د جرم د پېښیدو او د مظنون او تورن د الزام د اثبات په اړه متعدد دلایل راټول کری چی دقانون اجرائتو جزایی (145) ماده (۳) جز خرنوال مکلف دی له هغو امکاناتو خخه چی قانوناً د جرم او دهغه مرتکب پر پېژندنه او حقایقو ته پر رسیدو دلالت وکری گته واخلی. خرنوال د جرم د اثبات دلایل او تیرنه کونکی دلایل علی السویه راټولوی او ارزوی او دقانون اجرائتو جزایی (۵) ماده دوهمه فقرة (۱۹) ماده خلورمه فقرة خرنوال او قاضی نشی کولای په قضیه کی مبهم دلایل د مظنون او تورن پر خلاف د اثبات د دلایلو په توگه توجیه او یا ابهام په قانون کی د هغوی په زیان تعبیر کری. زما موکلم ن ع 1398/9/13 تاریخ په خپل ریاست کی د درپو همکار سره نوکروالی دی او 1398/9/7 تاریخ مکتوب تهیه شوی دی او 1398/9/9 تاریخ مکتوب ارسال شوی دی چی د ن م دنوکری خخه خلور ورخی مخکی مکتوب (pps) تللی دی توجو مو غوایم (۲) امنیتی کمری په ریاست کی موجودی دی او کمری هم ندی کتل شوی چی دا په ډاگه کری چی ن م دی پاکت مهر کری وی ۳ هیخ وخت (ع ر) د (ن ع) سره یو خای ندی نوکری شوی چی دا ثابتته کری چی (ن م) دی (ع ر) ته پاکت مهر کری وی. ۴ پوسته خانی ته مکتوب چا تسلیم کری دی او چا ورخه تسلیم کری دی باید جناب خرنوال صحب کتاب قید وارده ورکه دوسیه کی ضمیمه کری وپیر

د محکمی خخه غوښتنه:

فضیلتماًب رئیس صاحب او ورسره قضایی پلاوی زماموکلم غریب او بی چاره کس دی او دیوی مری د روزی دپیدا کولو پخاطر غریبی پسی سرگردانه دی او دخپلی کورنی او فامیل لپاره سرپرست دی چی فعلاً دهغی کورنی بی سرپرسته شبی او ورخی سبا کوی تقریباً لس کاله یی په یاد محترم ریاست کی خپله مقدسه وظیفه په ایمانداری او صداقت سره اجرا کری ده دجرمی سابقی نه درلودونکی دی. نو بنا دپورته دلایلو په ذکر کولو سره جناب رئیس صاحب محترم عدالت خواه قضایی پلاوی خخه په ډیر احترام غوښتنه کوم چی زما مءکل ته داساسی قانون (25) مادی او دکود جزا د قانون د (۵) دجزایی اجرائتو د قانون (235) مادو مطابق په برأت حکم صادر کری چی تر خو عدالت تامین شی او دخدای ج رضا حاصله شی.

فشرده دفاعیه دوم ن م :

رد دلایل خرنوال مؤظف قضیه:

خرنوال مؤظف در دلیل خویش ذکر بعمل آورده است که امضاء نمودن مکتوب تزویری توسط ع ر نام و مزین ساختن آن با مهر مخصوص (اشد محرم) توسط متهم (ن م) نام که متهمین (ع ق) و (ن م) نامان موضوع فوق را بر اساس اعترافات خویش تأیید مینماید که اتهام مذکور را در مورد متهمین به اثبات میرساند. دفعا بعرض میرسانم. اینکه

در واقعیت این دلایل خارنوال مؤظف مبنی بر دلایل آفافی به نظر میرسد جهت اینکه نظر به اوراق دوسیه و تحقیقات که صورت گرفته است یک سلسله خلاء تحقیقاتی در اوراق دوسیه به نظر میرسد که بی گناهی موکلم را به اثبات میرساند که خارنوال مؤظف این خلاها را نایده گرفته است و از محکمه محترم برای مؤکلم خواستار مجازات شده است که ذیلاً توجه هیأت قضائی به نکر آن میپردازم.

اولاً نظر به اوراق دوسیه مکتوب مذکور بتاریخ 1398/9/9 عنوانی ریاست عمومی محافظت ریاست جمهوری صادر شده در حالیکه موکلم بتاریخ مذکور هیچ نوکری نبود بلکه بتاریخ 1398/9/13 در نوکریوالی موجود بوده چه قسم امکان دارد که یک شخص در چنین یک اداره که در آن چنین قیودات سخت باشد و در نوکری نباشد و مکتوب تزویری را مهر نماید در این مورد باید از افرادی که درین روز نوکری بوده باید بازپرس قرار میگرفت و خواستار معلومات میشد ولی متأسفانه که در این مورد هیچ نوع تحقیقات صورت نگرفته است. ثانیاً: در ساحه کاری که موکلم ابفای وظیفه مینماید کمره های امنیتی وجود دارد که تمام جزئیات که درین ساحه رخ میدهد در آن ثبت میشود کمره های امنیتی باید چک میشد تا موضوع روشن میشد ولی درین مورد هیچ نوع تحقیقات صورت نگرفته است. ثالثاً: اینکه نظر به اظهارات مؤکلم در نوکریوالی روزمره سه نفر توظیف میباشند اگر موکلم درین موضوع کسب مسؤولیت میداشت همان دو نفر دیگر نیز کسب مسؤولیت داشت چرا از آنان هیچ نوع تحقیقات صورت نگرفته است حتی که در اوراق دوسیه از آنان هیچ نکر بعمل نه آمده است. رابعاً: اینکه تحقیقات که از موکلم صورت گرفته است خلاف قانون به اساس شکنجه فزیک و روحی صورت گرفته است حتی در هنگام نیمه شب از آنان تحقیق صورت گرفته شده است و نهایتاً تهدید شده است که در تمام اوراق دوسیه حتی در مرحله خارنوالی باید اعترافات قبلی را تأیید نمایند که چنین تحقیقات خلاف قانون و مدار اعتبار نمیباشد، در حالیکه موکلم مدت ده سال میشود که در ریاست امنیت ملی به بسیار صداقت وظیفه خویش را انجام نموده است که نظر به ورق (88) دوسیه ریاست مربوطه از اخلاف حسنه و انجام وظیفه به وجه احسن آن و اینکه موکلم یک شخص بادیسلین اطاعت پذیر و سلوک نیک به همکاران و زیردستان خویش را تأیید مینماید اگر موکلم مرتکب چنین عمل میشد قبلاً چرا این عمل را انجام نمیداد که در زمینه توجه هیأت قضائی را خواهانم. خامساً: نظریه اوراق دوسیه اظهارات متهمین قضیه مستند سازی نشده و ضدنقض میباشد جهت اینکه نظریه اوراق (55) دوسیه متهم ع ق چنین بیان میدارد. (یکماه پیش از گرفتاری (م) اسامی (ع) را بر این گفت که در ریاست جمهوری بعضی خویشاوندان من در ریاست محافظت ریاست جمهوری ابفای وظیفه مینمایند من برایش گفته بودم که برای خودم در آن ریاست موفقه بگیرد ولی نه گرفت و من همراهی آنان کار دارم و خودم با افراد فوق الذکر شناخت ندارم...) ولی نظریه ورق (60، 62، 155 و 159) دوسیه بیان میدارد که یک بنام (و ح) یکرور بر این گفت که بچه کاکایم بنام (م ش) با مخالفین دولت ارتباط دارد و اسامیون (ح ف)، (م ش)، (م ا)، و (ش ف) کارمندان ریاست محافظت ریاست جمهوری در خانه وی رفت آمد داشت... و من این کار بخاطر ازین کردم تا در مورد فعالیت های مخالفین دولت یک اطلاع بدهم. و نیز نظر به ورق (58) الی (62) دوسیه نامبرده بیان میدارد که (مکتوب را در کمپیوتر (ع ش) نام تایپ نمودم و پاکت را (ع ر) نام توسط مدیر سوم تاپه قبلاً تاپه کرده بود و بعداً مکتوب مذکور را به پسته خانه نظامی تسلیم نمایم...) ولی نظر به اوراق (65) الی (75) دوسیه متهم (ع ر) بیان میدارد که (در ریاست محافظت ریاست جمهوری هیچ خویشاوندان ندارم و نه با این افراد که درج مکتوب است شناخت و معرفت دارم و نه مکتوب نوشته کردم و نه بالای متهم (ن م) مهر کردم..) ازین به اثبات میرسد که اعترافات متهمین باید مستند سازی میشد و معلوم میشد که آیا افرادی که درج مکتوب عنوانی ریاست محافظت ریاست جمهوری شده آیا واقعاً با (ع ر) نام خویشاوندی دارد یا خیر؟ ولی متأسفانه که باوجود این قدر خلا تحقیقاتی که در اوراق دوسیه به نظر میرسد با هم خارنوال مؤظف از محکمه محترم خواستار مجازات شده و تحقیقات همه جانبه را انجام نداده است چون هدف از تحقیق روشن شدن موضوع و پی بردن به حقایق قضیه میباشد ولی متأسفانه که خلاف مواد (20) و (150) قانون اجراءات جزائی این تحقیقات صورت گرفته است که طبق مواد مذکور چنین اجراءات را تحت سوال قرار میدهد، بناءً از قضاوت محترم تقاضاء بعمل میآید که عدالت مورد نظر گرفته چون هدف از مجازات اصلاح مجدد مجرم و پند و عبرت برای دیگران میباشد تا یک شخص بی گناه تحت مجازات قرار نگیرد و هیچ گناه کاری از تطبیق قانون رهایی نیابد و عدالت به وجه احسن آن تأمین گردد.

تقاضا از پیشگاه محکمه محترم: باذکر دلایل فوق الذکر از حضور محترم رئیس صاحب و هیأت محترم قضائی شان تقاضا بعمل میآید که در اتهام وارده بر علیه موکلم طبق هدایت ماده (25) قانون اساسی و ماده (5) کود جزاء و ماده (235) قانون اجراءات جزائی به برانث خویش اصدار حکم خواهند فرمود تا عدالت به وجه احسن آن تأمین گردد.

از بررسی همه جانبه اوراق دوسیه، اتهامنامه هیأت تحقیق صورت دعوی خارنوال، دفع تحریری و شفاهی، مقارنه و مقایسه آن چنین برمیآید که: یک قطعه مکتوب شماره (3978) مؤرخ 1398/9/1 از آدرس ریاست (012) ریاست امنیت ملی بطور تزویری و غیر واقعی عنوانی ریاست محترم محافظت رئیس جمهوری به این متن: ((اطلاعات از منابع رسمی مؤثق اوپراتیفی حاکمیت که اسامیان هریک (ح ف) فرزند (ح ت)، (م ش) ولد (غ ح)، (م ا) فرزند (م س)، (ش ف) فرزند (ع ف) و (و ح) کمک آنها در ساحات شهر کابل به اعمال تروریستی دست میزنند.)) از طریق پسته خانه نظامی ریاست کابل ارسال گردیده که بعداً ذریعه شماره تلفیون (0798878811) با رئیس محافظت ریاست جمهوری تماس تلفیونی بر قرار و در مورد سرنوشت مکتوب مزبور معلومات خواسته شده که بالاثر ریاست محافظت مقام ریاست جمهوری اسلامی افغانستان ذریعه مکتوب نمبر (2800) مؤرخ 1398/9/24 خویش در مورد چگونگی مسبوقیت اداره محترم امنیت ملی از مکتوب فوق الذکر و تثبیت هویت شخص تماس گیرنده مطالبه معلومات مینماید. غرض پیگیری موضوع به اساس هدایت ریاست عمومی امنیت ملی پنج تن از منسوبین ریاست (012) امنیت ملی در پیوند به موضوع به مدیریت (501) ریاست محترم (755) امنیت ملی معرفی و تحت تحقیق قرار میگیرند در جریان تحقیقات اسامیان هریک (ع ق) و (ع ر) منسوبین ریاست (012) ریاست عمومی امنیت ملی بیان داشتند که: بتاریخ 1398/9/7 مشترکاً یک قطعه مکتوب را خلاف پروسیجر اداری تزویراً ترتیب و با استفاده از مهر اشد محرم که در پوش مکتوب مزبور توسط تورن (ن م) حک گردیده عنوانی ریاست محترم محافظت ریاست جمهوری از طریق پسته خانه نظامی محول گردیده، که متعاقباً به رئیس محافظت ریاست جمهوری تماس بر قرار نمودیم. که جریان مفصل اظهارات آنها درج اوراق دوسیه و ضم صورت دعوی خارنوال در فوق فیصله خط هذا قابل ملاحظه میباشد. بعداز انجام

استدلال محکمه
ابتدائیه

<p>تحقیقات، اوراق قضیه با ترتیب اتهام نامه و صورت دعوی جزایی به اتهام جرم تزویر و شراکت در آن در مطابقت به حکم مواد (438) بارعایت ماده (58) کود جزاء از طریق خارنوالی مربوط غرض انفصال شرعی و قانونی محول محکمه هذا گردیده که در جلسه قضائی تاریخی فوق در حضور داشت طرفین قضیه و وکلای مدافع تحت غور و بررسی هیئت قضائی محکمه قرار گرفت که بعداز استماع دعوی خارنوال و مدافعات کتبی و شفاهی متهمین مذکورین و با ملاحظه اوراق مندرج دوسیه و جریان فوق هیئت قضائی محکمه به این نتیجه رسیدند که جرم متهمان هریک (ع ر) ولد (ب س) و (ع ق) ولد (غ ف) در قضیه تزویر مکتوب مزبور و متهم (ن م) ولد (م ع) در معاونت جرم مذکور ثابت بوده و نظر به دلایل آتی کسب مسؤلیت میکنند. 1- اعترافات صریح متهمین به جرم ارتكابی شان طریکه متهم (ع ق) ولد (غ ف) در صفحات تحقیق خویش درج ورق (58) دوسیه چنین بیان داشته: (مکتوب را به همکاری (ع ر) در کمپیوتر (ع ر) تایپ کردم نامها را من به (ع ر) گفتم و (ع ر) تایپ کرد بعداز این (ع ر) پاکت آورد که تیار تابه شده بود و در آن مکتوب را انداختم و یک صادره همین طور زدم (ع ر) گفت که فقد یک نمبر نوشته کن در صادره و بعداز آن پاکت را به پسته خانه نظامی تسلیم نمودم که یادم نیست در پسته کی تسلیم شده هذا به ورق (59) دوسیه از برقراری تماس خویش با رئیس محافظت عامه اعتراف نموده. و متهم (ع ر) بورق (155) دوسیه از همکاری خویش در تحریر مکتوب با (ع ق) مذکور صریحاً اعتراف نموده در محاضر مقابله شد متهمین مذکورین علیه یک دیگر اظهارات داده طوریکه متهم (ع ق) تحریر داشته شخص مقابل (ع ر) که مدیر صادره میباشد یک پاکت که در عقب آن مهر خاص اشد شده بود برایم داد و گفت که در عقب پاکت نوشته کنید بریاست محترم محافظت ریاست جمهوری پاکت را تسلیم پوسته نظامی نماید که طبق هدایت وی در عقب پاکت تحریر و به پوسته نظامی تسلیم نمودم هکذا متهم (ن م) در مقابل (ع ر) مذکور درج محضر مقابله شد تحریر داشته که در دفتر نوکریوالی بودم شخص مقابلم یک قطعه پاکت سفید را آورده برایم گفت پاکت را تابه نمایند که اسناد را روان میکنم بنده روی همکاری بودن تابه خاص اشد محرم را در عقب پاکت زدم و برایش دادم... به همینطور در سایر اوراق تحقیق خویش اعتراف نموده که پوش مکتوب مذبور را که از جانب متهم (ع ر) برایش آورده شده بود تابه اشد نموده. اما از چگونگی متن مکتوب و سایر اجراء آن نظر به اظهارات خودش اظهار بی خبری نموده است.</p> <p>2- ترسیل مکتوب از طریق ریاست (012) به پسته خانه نظامی که امر صادره شعبه آمریت اسناد و ارتباط ریاست دفتر متهم (ع ر) و متهم (ع ق) بصفت کارمند شعبه مذکور بوده که به اثر هدایت و اجراء نامیردگان مکتوب مذبور بدون اینکه صلاحیت صدور چنین مکاتیب را داشته باشند، خلاف واقعیت و به اساس عده های شخصی چنانکه اسمهای پنج نفر مندرج مکتوب مزبور به گفته های متهم ع ق بورق (55) دوسیه که (ع ر) برایم گفت که در ریاست محافظت اقوام و خویشاوندان من است برایش گفته بودم که موافقه بگیر و آنها به من موافقه نگرفته و من همراهی آنان کار دارم.) صادر وطی مراحل گردیده است.</p> <p>3- موجودیت یک قطعه مکتوب خلاف واقعیت معه پوش آن مندرج اوراق (91 الی 92) دوسیه که از جانب ریاست محترم محافظت ریاست جمهوری رسماً طی مکتوب شماره 1398/9/24 (2800) صادره ریاست عمومی محافظت ریاست جمهوری عنوانی ریاست عمومی امنیت ملی در مورد چگونگی صحت و قسم مکتوب مزبور ترسیل و ضم ورق (97) دوسیه میباشد. بناءً روی جریان و دلایل فوق مسؤلیت دو نفر متهمان فوق الذکر اسامیان هریک (ع ر) و (ع ق) موصوفان منحنیت فعالین اصلی قضیه تزویر که عمداً و عالماً به تفاهم و همکاری همدیگر در ترتیب و طی مراحل مکتوب غیر واقعی موضوع جرم مرتکب به عمل مذکور گردیده طبق حکم فقره (1) ماده (437) کود جزاء کسب مسؤلیت نموده و متهم ن م مذکور که در پوش مکتوب بدون اینکه از متن مکتوب و محل مرسله آن آگاهی دقیق حاصل و طبق قانون و مقررات اداره اجراء نماید، غیر مسؤلانه پوش مکتوب مذکور را که به گفته خودش (ع ر) برایش ارایه و از روی همکاری بودن وی، تابه اشد محرم آن اداره را بالای آن زده و به اثر همین اجراءات مکتوب مزبور به نحوی سیغه قانونی حاصل و طی مراحل گردیده که بدون آن جرم مذکور تحقق پیدا نمیکرد منحنیت معاون در جرم مذکور عمل وی ثابت و بارعایت ماده (59) کد جزا کسب مسؤلیت میکند. اما مطالبه خارنوال مؤظف قضیه که در مطابقت به حکم ماده (438) کود جزاء علیه متهمین مذکورین استناد و مطالبه گردیده به عقیده هیئت قضائی موجه و مصدق قضیه نبوده زیرا حکم ماده مذکور به تزویر مؤظفین خدمات عامه که در اثنای اجرای وظیفه ... مرتکب گردیده باشند قابل تعمیم و تطبیق بوده اما در قضیه مانحن فیه هذا متهمین قضیه بدون آنکه صلاحیت صدور چنین مکاتیب را در مطابقت به مکلفیت ها و لواجیح وظیفوی خویش داشته باشند. به عمل مذکور یعنی (ترتیب و صدور غیر واقعی مکتوب مزبور) اجراءات خلاف قانون نموده که عملکرد شان در ماده (437) کود جزاء پیشبینی و به آن صراحت کامل دارد که هیئت قضائی محکمه آنرا مصداق قانونی قضیه دانسته و حکم خویشرا چنین صادر نمودند.</p>	<p>نص حکم محکمه ابتدائیه</p> <p>ما هیئت قضائی ریاست محکمه ابتدائیه رسیده گی به جرایم ناشی از فساد اداری ریاست محاکم استیناف ولایت کابل در جلسه قضائی علنی منعقد تاریخی 1398/10/28 خویش در حضور داشت طرفین قضیه و وکیل مدافع متفقاً تو: هریک (ع ق) ولد (غ ف) و (ع ر) ولد (ب س) منسوبان ریاست (012) ریاست عمومی امنیت ملی را در قضیه تزویر اسناد طبق حکم فقره (1) ماده (437) کود جزاء از ابتدا ایام نظارت و توقیفی تان بمدت دو سال، دو سال حبس تنفیذی و تو (ن م) ولد (م ع) منسوب ریاست (012) امنیت ملی را در قضیه معاونیت در جرم تزویر طبق فقره (1) ماده (437) بارعایت ماده (59) کود جزاء از ابتدا ایام نظارت و توقیفی بمدت ده ماه حبس تنفیذی محکومین به مجازات نمودیم.</p>
<p>به نسبت قناعت طرفین قضیه و ذریعه مکتوب (207 بر 196) مؤرخ 1399/1/17 از قطعیت حکم اطمینان داده شده.</p>	<p>سبب قطعیت حکم محکمه ابتدائیه</p>